

به نام خدای مهربان



# ماجراجویان کهکششان

۱

## هیولاهای گلی مریخ

رمان نوجوان - علمی تخیلی



تومی دونبوند • امیرحسین میرزاییان

## هیولاهای گلی مریخ

تومی دونبوند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزاییان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

ویراستار: سیما طاهری

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۶۸۷

چاپ سوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

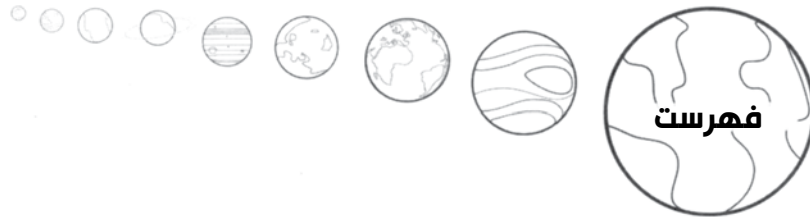
شابک: ۱-۷۷۶-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۳-۷۸۵-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم



- با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید..... ۴
- جلسه‌ی تمرین کیهان..... ۶
- فصل اول: فرمانده‌ی خوش تیپ..... ۱۰
- فصل دوم: از خاک به خاک..... ۱۹
- فصل سوم: سرای سایه‌ها..... ۲۷
- فصل چهارم: هیولای گلی..... ۳۷
- خودآزمایی..... ۴۶
- چگونه از خواندن این کتاب بیشتر لذت ببریم؟..... ۴۷
- درباره‌ی نویسنده..... ۴۸
- پاسخ خودآزمایی..... ۴۸

سرشناسه: دونبوند، تامی Donbavand, Tommy

عنوان و نام پدیدآور: هیولای گلی مریخی / نویسنده تومی دونبوند؛ مترجم امیرحسین میرزاییان.

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۴۸ ص: مصور.

فروست: ماجراجویان کهکشان.

شابک: ۱-۷۷۶-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸. دوره: ۳-۷۸۵-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Mudmen of mars.

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: میرزاییان، امیرحسین، ۱۳۶۴ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ PZ۷/د۸۷۵۹

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۱۷۳۴



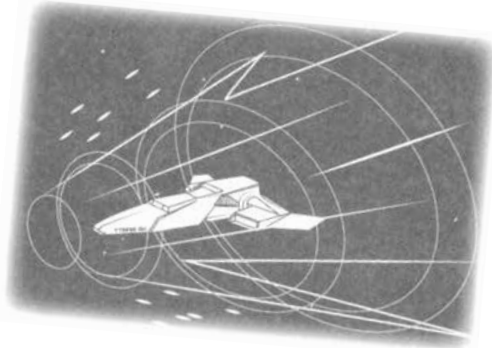
Paper from well managed forests  
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع  
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

## تحت تعقیب



جیزر



سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی

نام: ولت

سمت: دستیار

سن: خیلی خیلی پیر!

اهل سیاره: زهره

کار مورد علاقه: از آگروز

روی شانهاش بخار بیرون بزند و

اعلام کند: «پرش انجام شد!»

وَلت



نام: گاس باستر

سمت: رئیس کیهان

سن: ۱۵

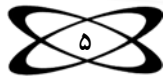
اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: ناگهان روی

صفحه‌ی مانیتور ظاهر شود و

فریاد بزند: «فایربال، کجایی؟»

گاس



## با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید

نام: دن فایربال

سمت: فرمانده

سن: ۱۲

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: پشت صندلی

فرماندهی پنهان شود و با ترس

بپرسد: «هنوز نرسیدیم؟»

دَن



نام: استرا مون

سمت: افسر ارشد

سن: ۱۱

اهل سیاره: ماه

کار مورد علاقه: در مقابل

جیزر بایستد، یک گارد کاراته‌ای

بگیرد و بگوید: «بیا جلو!»


اَسْترا

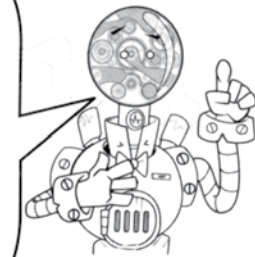




## جلسه‌ی تمرین کیهان

### تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی

درود بر تازه‌واردها!  
اسم من ولت است و معلم سایبری  
امروز شما هستم. اگر می‌خواهید شما  
هم یک مأمور کیهانی  باشید،  
باید تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی را  
بدانید، پس باید این بخش را بخوانید.



ولت

در آن دوران مشکلات زیادی وجود داشت. بزرگ‌ترها زمین را  
آلوده کرده بودند و بدتر از

همه این که همین کار  
را با هشت سیاره‌ی  
دیگر منظومه‌ی  
شمسی هم کردند.  
حقیقت این است  
که بزرگ‌ترها  
تا مدت‌ها اصلاً  
نمی‌دانستند پلوتن  
واقعاً یک سیاره است!



تا این که در سال ۲۲۸۱، بچه‌ها کنترل منظومه‌ی شمسی را به  
دست گرفتند.

حالا دیگر بزرگ‌ترها در هجده  
سالگی بازنشسته می‌شدند  
و بچه‌ها آن‌ها را به خانگی  
سالمندانی که در ایستگاه‌های  
فضایی ساخته شده بود  
می‌فرستادند. بچه‌ها فقط سه سال  
در مدرسه می‌ماندند و اکثرشان تا  
هشت سالگی، دیگر صاحب شغل  
شده بودند.

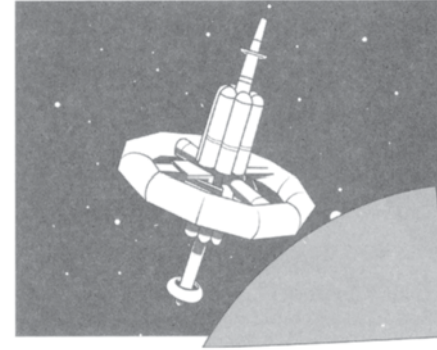


مدت‌ها پیش، بزرگ‌ترها کنترل همه  
چیز را به دست داشتند. تمام شغل‌ها  
مال آن‌ها بود، دولت‌ها را آن‌ها اداره  
می‌کردند و تازه کنترل تلویزیون هم  
همیشه دستشان بود.

بچه‌ها ناچار بودند تا هجده سالگی در  
مدرسه بمانند. آن‌ها مجبور بودند هر  
کاری که پدر و مادرشان می‌گفتند  
انجام دهند. بزرگ‌ترها پول کمی هم  
در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند که به  
آن «پول توجیبی» می‌گفتند.



بدین ترتیب منظومه‌ی شمسی به سرعت به جایی شادتر، امن‌تر و تمیزتر برای زندگی تبدیل شد.



اما همه‌ی بزرگ‌ترها بازنشستگی را در هجده سالگی دوست نداشتند. عده‌ای شورش کردند و از خانه‌ی سالمندان گریختند. آن‌ها شروع کردن به ایجاد دردسر و انجام کارهای خلاف.

برای همین بود که سازمان **کیهان** به وجود آمد:

**کیهان**؛ مخفف این کلمات است:

کمپانی

یافتن

همه

اشتباهات

فابخشودنی

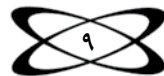
یکی از بدترین این خلافکاران، مردی به نام جیزر بود. هدف **کیهان** این بود که جلوی کارهای خلافش را بگیرد.

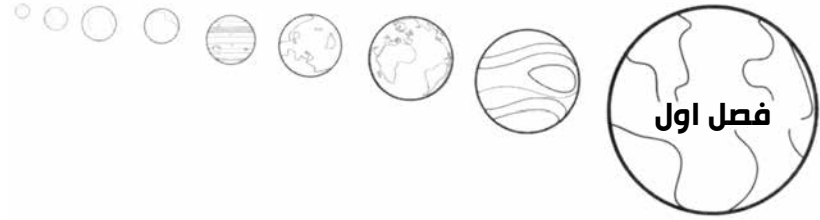
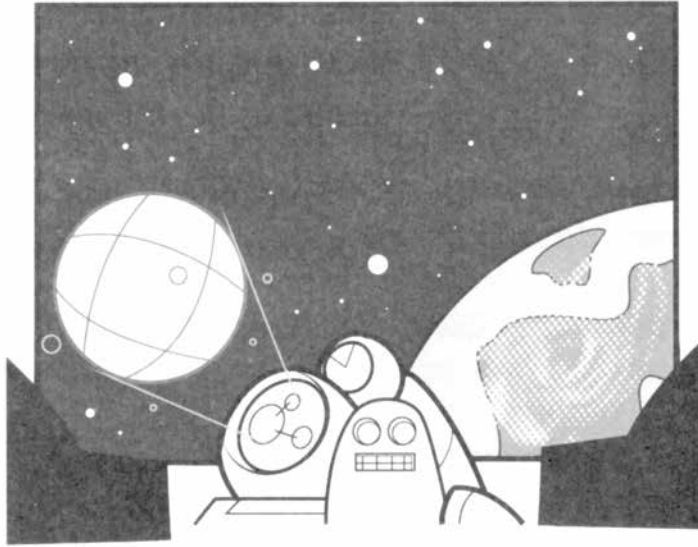
اعضای **کیهان** به همه جای منظومه‌ی شمسی سر می‌زدند تا معماهای پیچیده را حل و بزرگسالان خلافکار را دستگیر کنند. سرنشینان سفینه‌های پرشی **کیهان** می‌توانستند از میان تونل‌های مغناطیسی نامرئی کهکشانی به نام منطقه‌ی پرش بگذرند و به دنبال ماجراهای تازه بروند، بنابراین به آن‌ها ماجراجویان کهکشانی می‌گفتند.



منم در کنار دن فایربال و استرا مون مشهور، عضو تیم ماجراجویان کهکشانی بودم.

حالا اگر ورق بزنید، می‌توانید داستان نخستین مأموریت را با سفینه‌ی پرشی‌مان، اچ اس اینفینیتی، بخوانید.





## فرماندهی خوش تیپ

**گزارش رسمی وقایع سفرهای  
سفینهی فضایی اچ اس اینفینیتی**

**مأموریت اول:**

**هیولاهای گلی مریخی**

**گزارش از این قرار است:**

در حالی که پشت میزش نشسته بود و با کامپیوترش محاسباتی را انجام می داد، گفت: «فرمانده، آماده ایم که وارد منطقهی پرش شویم.»

اما فرمانده فایربال پاسخی نداد. استرا دوباره تکرار کرد:  
«فرمانده...؟»

باز هم جوابی نیامد.

استرا قلمش را به طرف فرمانده پرتاب کرد و فریاد زد: «دن، بیدار شو!»



فرمانده دن فایربال روی صندلی فرماندهی اش در سفینهی اچ اس اینفینیتی نشست و در سکوت به صفحهی مانیتور بزرگ

روبرویش خیره شد. او در

پایین صفحه می توانست

سیارهی زمین را ببیند. پشت

سر زمین، میلیون ها کیلومتر

فضای سیاه و خالی دیده

می شد.



افسر ارشد سفینه، استرا مون،

